

## عنوان مقاله:

تحولات الگوهای پاسخ دهی به جرم (سزاگرایی و اصلاح و بازپروری) در حقوق کیفری فرانسه و ایران (در قلمرو مجازات های تعزیری)

## محل انتشار:

فصلنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، دوره 5، شماره 11 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

## نویسندگان:

محمد سالاری - دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران

محمود روح الامینی - استادیار گروه حقوق، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

باقر شاملو - دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

سید محمد مهدی احمدی موسوی - استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران

## خلاصه مقاله:

اختیارات بی حدمرز قضات در تعیین مجازات و ماهیت غیرانسانی برخی از مجازات ها ویژگی بارز حقوق کیفری فرانسه قبل از انقلاب ۱۷۸۹ بود. مقنن فرانسوی بعد از انقلاب در سال ۱۷۹۱ قانون مجازاتی با مجازات های ثابت بر مبنای الگوی سزاگرایی وضع می کند و اختیارات قضات را نیز محدود و از برخی مجازات های غیرانسانی حاکم تا قبل از انقلاب فاصله می گیرد. مقنن فرانسوی در سال ۱۸۱۰ میلادی قانون مجازات جدید را وضع می کند و همچنان مولفه سزاگرایی را در قالب مجازات های حداقلی و حداکثری پیگیری می کند. متعاقب چاپ کتاب انسان بزهکار توسط لمبوروزو در سال ۱۸۷۶ و پیدایش مکتب تحقیقی مقنن فرانسوی نیز به سمت استفاده از الگوی اصلاح و بازپروری گرایش می یابد. با گذر زمان مقنن فرانسوی از مولفه سزاگرایی فاصله گرفته و به سمت تفوق مولفه اصلاح و بازپروری گرایش پیدا می کند. مقنن ایرانی نیز با الهام از قوانین کیفری فرانسه در ابتدا مولفه سزاگرایی را دنبال می کند و در گذر زمان نیز به سمت استفاده از مولفه اصلاح و بازپروری گرایش پیدا می کند و در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تمایل خود به تفوق اصلاح و بازپروری بر مولفه سزاگرایی را در قلمرو برخی جرائم به وضوح نشان می دهد.

## کلمات کلیدی:

سزاگرایی، اصلاح و بازپروری، مجازات های تهریبی، مجازات های تزدیلی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1552097>

